

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره پنجم، پاییز ۱۴۰۱: ۱-۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه مردان

* پروانه دانش

** محمدجواد زاهدی مازندرانی

*** نازنین خوش‌سیما

چکیده

دیدگاه عمومی نسبت به خشونت خانوادگی، معمولاً خشونت توسط مردان علیه زنان یا سایر اعضای خانواده است اما گزارش‌ها در این زمینه مبین آن است که گاه مردان قربانی خشونت زنان می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش تبیین جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه مردان است. این پژوهش به شکل کیفی انجام شده و با روش گردن‌تئوری داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه مورد مطالعه شامل مردان متأهل خشونت‌دیده شهر تهران است. شیوه انتخاب نمونه‌ها هدفمند بوده و حجم نمونه نیز طی پژوهش پس از مصاحبه دهم به اشباع رسید. تحلیل‌ها به وسیله سه نوع کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. یافته‌های تحقیق عبارت‌اند از: شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان شامل: ۱- مسائل فرهنگی، ۲- مسائل اجتماعی، ۳- مسائل مالی، ۴- شرایط شغلی و سازمانی، ۵- مشکلات روحی و روانی در خانواده، ۶- سابقه اعتیاد در خانواده، ۷- آشنایی با مهارت‌های زندگی؛ عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر راهبرد خشونت زنان علیه مردان شامل: ۱-

p_danesh@pnu.ac.ir

m.zahedi@pnu.ac.ir

nazaninkh69@yahoo.com

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، ایران

** استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، ایران

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، ایران



تفاوت شخصیتی، ۲- تفاوت فرهنگی، ۳- تفاوت سنی، ۴- تفاوت مسائل مالی، ۵- تفاوت در نوع نیاز، ۶- باورهای زناشویی، ۷- باورهای جنسیتی؛ شرایط علی اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان شامل: ۱- روابط گسسته، ۲- روابط درهم‌تنیده، ۳- تجربیات نامناسب خانوادگی، ۴- عوامل شغلی- سازمانی، ۵- مشکلات ارتباطی در شغل، ۶- عوامل اجتماعی، ۷- عوامل فرهنگی؛ راهبردهای کنش و کنش متقابل عبارت‌اند از: ۱- رفتارهای ارتباطی ناسالم ۲- الگوی تعاملی تلافی جویانه ۳- کمبود عشق و صمیمیت؛ پیامدها عبارت‌اند از: ۱- آسیب‌های روانی ۲- قدرت نداشتن مرد در خانواده ۳- جدایی ۴- رفتارهای پرخطر ۵- آسیب دیدن فرزندان ۶- تضعیف بنیان خانواده ۷- نداشتن مدیریت مالی خانوار؛ نتایج تحقیق نشان‌دهنده وجود خشونت علیه مردان در خانواده است و تبعات این نوع از خشونت باعث تضعیف نهاد خانواده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خشونت، خشونت زنان، خشونت علیه مردان.

مقدمه

از آنجا که خانواده به منزله پناهگاهی مقدس برای آسایش خانواده و هماهنگی بنا شده است، خشونت زناشویی حقیقتاً با آن همخوانی ندارد و از نظر لغوی هم با چنین مفهومی از خانواده ناهمگون است. خشونت تصویر آرام خانه و نیز امنیتی را که حاصل خویشاوندی است، در هم می‌شکند. با این حال، بر اساس شواهد موجود، سرشت دسیسه‌انگیز این خشونت در سراسر جهان و در میان ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به اثبات رسیده است (ر.ک: کامرانی، ۲۰۰۸).

خشونت زناشویی به نوعی پرخاشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می‌دهد و گاهی اوقات تحت عنوان همسرآزاری، خشونت زناشویی، زن‌آزاری، شریک‌آزاری و عبارات دیگر توصیف شده است (ر.ک: کوهلوت، ۲۰۱۱). این نوع خشونت، سوءرفتاری است که از جانب یکی از اعضای خانواده بر یک عضو یا اعضای دیگر خانواده اعمال می‌شود و ابزاری برای تثبیت قدرت و نمودی از سلطه‌جویی است که طرف مقابل در این رابطه فاقد ارزش و اعتبار انسانی است (ر.ک: مجیدی، ۱۳۹۲). امروزه زنان حصارهای مردسالاری را شکسته و از طرفی چون سال‌ها تحت انقیاد مردان بوده‌اند، اینک که به منابع مختلف دسترسی پیدا کرده‌اند، در صدد احقاق حقوق خود برآمده‌اند. بر طبق نظریهٔ محرومیت، بروکویتز معتقد است اعمال منتهی به ایجاد محدودیت همچون محرکی برای بروز رفتارهای تهاجمی عمل می‌کند و انگیزه افراد را برای توسل به خشونت بالا می‌برد. بنا به نظر ویلیام گود که در مورد خشونت خانگی نظریه منابع را مطرح نموده، نظام خانواده هم مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظام اقتدار است و بر این اساس هر کسی به منابع مهم آن (مثل شغل، تحصیلات، مهارت و اطلاعات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد و تصمیم‌گیری‌های مهم را عملی سازد (ر.ک: رئوف، ۱۳۷۷). به سخن دیگر، امروزه زنان با تحصیل، اشتغال، کسب درآمد و به‌دست‌آوردن موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از خانه خارج شده و مانند مردان بیرون از خانه به کار مشغول شده‌اند، به کسب درآمد می‌پردازند و بدین ترتیب رفته‌رفته نحوهٔ تعاملشان در خانواده تغییر کرده و دیگر مانند زنان گذشته، خود را محدود به چار دیواری نمی‌دانند. این مسائل موجب تغییر نقش زنان شده و این تغییر نقش در جوامع در حال گذر از

خانه‌داری صرف و تدبیر منزل، به حضور در صحنه‌های اجتماعی، تحصیلات و کسب درآمد تبدیل شده است که منجر به افزایش مطالبات حقوقی زنان شده است. رشد مطالبات حقوقی در برابر انتظارات سنتی مردان به تنش‌ها و خشونت‌های زنان علیه مردان دامن می‌زند (ر.ک: مجیدی، ۱۳۹۲).

خشونت خانگی علیه مردان تبعات جبران‌ناپذیری مانند: طلاق، اعتیاد، بزهکاری و مسائل دیگر را در بر خواهد داشت که همانند دیگر تأثیرات خشونت خانگی می‌توان آنها را در ابعاد فردی و اجتماعی مورد توجه قرار داد (ر.ک: گارات، ۲۰۱۲). این امر می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای جامعه ایجاد کند؛ البته طرح مسائلی نظیر خشونت خانگی علیه مردان مبتنی بر رویکردی پیشروانه به جایگاه و نقش جامعه‌شناسی در ارتباط با مسائل اجتماعی است. بدین معنا که جامعه‌شناسی علاوه بر مطالعه و تحقیق پیرامون مسائلی که کم‌وبیش نزد افکار عمومی جامعه به‌عنوان مسئله اجتماعی تعریف شده‌اند - از قبیل اعتیاد، بیکاری، طلاق، فحشا، آلودگی محیط زیست و مهاجرت - از این توانایی برخوردار است که بر روی موضوعاتی که هنوز برای عامه مردم چندان آشکار و ملموس نشده‌اند نیز مطالعه و تحقیق کند (ر.ک: خیرخواه‌زاده، ۱۳۹۰). وامقی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی در ایران: مرور مطالعات ۱۳۸۰-۱۳۸۷» به این نتیجه رسیدند که در ایران شیوع کلی خشونت نسبت به زنان در خانواده براساس نتایج مطالعات در تهران و شهرهای دیگر کشور طیف گسترده‌ای از ۱۷/۵ تا ۹۳/۶ درصد را شامل می‌شود. بالاترین فراوانی انواع آزار در کل و در جمعیت عمومی مربوط به آزار روانی و کمترین آن آزار جنسی بوده است. همچنین به نظر می‌رسد که تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی، موقعیتی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد خشونت نقش ایفا می‌کنند. با توجه به فرهنگ مردسالاری در جامعه ما، رواج خشونت علیه مردان تبعات جدی برای خانواده و اعضای آن به دنبال دارد و مطالعه چگونگی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. تحلیل چگونگی خشونت زنان علیه مردان هدف اصلی این مطالعه است.

پیشینه پژوهش

خیرخواه‌زاده (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تجربه زیسته مردان از خشونت خانگی علیه آنان» به صورت کیفی در بین ۵۰ مرد متأهل در رده سنی ۲۹ تا

۸۳ سال از طریق مصاحبه در ۲ پارک در تهران انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که خشونت کلامی- روانی، به کاربردن الفاظ زشت، توهین به خانواده مرد، توهین به اصالت مرد، جیغ زدن و... و سپس خشونت جنسی شایع‌ترین و شدیدترین خشونت‌هایی بوده است که زنان علیه شوهران خود به کار می‌برند. همچنین دیگر یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مردانی که وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند، مشکلات اخلاقی دارند و یا معتاد به مواد مخدر یا الکل هستند، بیشتر از سایر مردان در خشونت‌های خانگی آسیب‌پذیرند.

سورنسون و اسپیر^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «اطلاعات جدید درباره خشونت شریک صمیمانه و روابط صمیمی: پیامدهایی برای قوانین اسلحه و جمع‌آوری داده‌های فدرال» به این نتیجه رسیدند که بیش از ۸۰٪ موارد خشونت‌های خانگی مثل (مشت، خفه شدن و...) شامل افراد در روابط غیرزناشویی است. حوادثی که شامل دوستان پسر یا دوست دختر فعلی می‌شوند، بالاترین درصد رفتارهای خشونت‌آمیز را دارند. سیاست‌های فدرال برای جلوگیری از قرار گرفتن اسلحه در اختیار تجاوزکاران نتوانسته به‌خوبی از بخش زیادی از جماعت حفاظت کند؛ به‌ویژه آنکه استفاده از این سلاح برای شریک صمیمی در روابط دوستی گسترش یافته است.

احمد حامد الدوساری^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «تأثیر خشونت داخلی بر زنان سعودی» به این نتیجه رسید که پیامدهای خشونت عمیق است و از سلامت و شادی افراد تا تأثیر بر سلامت کل اجتماع توسعه می‌یابد. زندگی در یک رابطه خشونت‌آمیز بر حس اعتماد به نفس زن و توانایی‌های او برای مشارکت در اجتماع تأثیر می‌گذارد. بنابراین با بالا بردن آگاهی جامعه از طریق کمپین‌های آگاهی ملی، بررسی خشونت خانگی و افراد آموزش‌دیده برای بررسی موارد خشونت ضروری است.

هوگان^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تجارب مردان در رابطه با خشونت شریک زندگی مشترک: یک اکتشاف کیفی» به این نتیجه رسیدند که تجربه مردان از بودن در رابطه‌ای خشونت‌آمیز، بسیار آسیب‌زا بوده و تأثیر منفی بر سلامتی جسمی و روحی آنها

1. Sorenson & Spear

2. Dosaari Al

3. Hogan

داشته است. حفظ حس مردانگی زیربنای روایت‌های مردان در مصاحبه بود. برخی شرکت‌کنندگان احساس شرمندگی و خجالت کشیدن از تحقق نیافتن انتظارات فرهنگی غالب پیرامون نقش مردان در روابط دگرجنسگرا را عامل اصلی توصیف کردند. ترس از قضاوت شدن و باور نکردن، عدم‌شناخت و درک خشونت علیه شریک زندگی از موانع عمده برای کمک به مردان در راستای حل مشکلات آنها در مسائل مربوط به خشونت از سوی شریک زندگی است. سوریواوا^۱ در تحقیقی با عنوان «خشونت خانگی علیه مردان» به این نتیجه رسید که اکثر مردان خشونت خانگی ملایم و متوسطی را تجربه کرده‌اند و برجسته‌ترین علل خشونت علیه مردان به رفتارهای سلطه‌گرانه و بی‌توجهی آنها نسبت به رفتار همسر است.

یعقوبی‌دوست و عنایت (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان» (مورد مطالعه: دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز) به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جمعیت خانوار با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد و نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش‌بینی بالای متغیر وابسته داشته است. لازم به ذکر است مطالعات کیفی در زمینه مرتبط با موضوع محدود است. با مرور سوابق پژوهشی می‌بینیم که منابع در رابطه با خشونت زنان علیه مردان بسیار اندک است و اطلاعات دقیقی در این زمینه نداریم و همین سبب شده تا پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً به صورت کیفی باشد.

روش پژوهش

هدف این پژوهش تبیین جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه مردان بر مبنای تئوری داده‌بنیادی است. در پژوهش‌های کاربردی هدف اصلی کشف علمی نیست، بلکه آزمودن و بررسی امکان کاربرد دانش است؛ بنابراین روش این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی

است. پژوهش حاضر از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات داده‌ها به روش کیفی انجام شد. نظریه داده‌بنیاد روشی استقرایی قیاسی است و به همین منظور در رویکرد استقرایی با گردآوری دقیق داده‌های کیفی به ساخت نظریه بر مبنای داده‌های حاصل شده می‌پردازد. در واقع این روش با نظریه آغاز نمی‌شود بلکه با زمینه مطالعاتی آغاز و پس از گردآوری، به نظریه‌های مرتبط اجازه می‌دهد تا در این زمینه پدیدار شود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش مردان متأهل خشونت دیده شهر تهران است. نمونه‌ها به صورت هدفمند و به شیوه گلوله‌برفی بعد از مصاحبه با نفر اول به دست آمدند و تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری ادامه داشت.

معیار ورود عبارت بوده است از: ۱- بیان آزاد تجربیات و رضایت جهت انجام مصاحبه و پاسخ به سؤالات ۲- سابقه خشونت. معیار خروج نیز رضایت نداشتن به شرکت در جلسات مصاحبه بوده است.

با توجه به هدف پژوهش و ویژگی‌های جامعه آماری، در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این شیوه، افراد به خاطر اطلاعات دست‌اولی که درباره پدیده مورد نظر (خشونت زنان علیه مردان) دارند، به عنوان شرکت‌کننده انتخاب شدند. در جدول شماره ۱ مشخص شده‌اند.

جدول ۱: مشخصات مردان متأهل خوشنوت‌دیده شرکت‌کننده در پژوهش

کد	شغل	سن	تحصیلات	وضعیت مسکن	مدت زندگی مشترک	میزان تقریبی حقوق (میلیون تومان)
۱	کارمند شرکت خصوصی	۴۸	لیسانس	صاحب‌خانه	۱۰	حدود ۵
۲	آزاد	۳۸	دیپلم	اجاره‌نشین	۵	حدود ۶
۳	کارمند بانک	۴۰	لیسانس	اجاره‌نشین	۱۰	حدود ۹
۴	کارگر تعمیرکار	۴۳	دیپلم	صاحب‌خانه	۲۲	حدود ۶
۵	بازنشسته راهنمایی رانندگی	۵۵	دیپلم	صاحب‌خانه	۳۶	حدود ۶
۶	بازنشسته	۵۸	سیکل	صاحب‌خانه	۳۸	حدود ۵۸۰۰
۷	بازنشسته راه آهن	۵۷	دیپلم	صاحب‌خانه	۳۲	حدود ۵۸۰۰
۸	کارمند املاک	۳۱	لیسانس	اجاره‌نشین	۳	حدود ۸
۹	راننده تاکسی	۴۳	دیپلم	صاحب‌خانه	۱۳	حدود ۶
۱۰	استاد دانشگاه	۵۵	دکتری	صاحب‌خانه	۱۷	حدود ۹

طیف سنی مردان متأهل خوشنوت‌دیده از ۳۱ سال است تا ۵۸ سال، و افراد دارای شغل‌های مختلفی هستند و طیف میزان تحصیلات آنان بین سیکل تا دکتری است؛ ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان صاحب‌خانه و ۳ نفر اجاره‌نشین هستند و طیف درآمدی افراد بین ۵ تا ۹ میلیون است.

تحقیق کیفی عرصه مواجهه فعال و مؤثر با واقعیت است. به سخن دیگر، تحقیق در محلی که افراد مورد نظر به سر می‌برند و تجربیات آنها در آن روی می‌دهد و یا در

محل‌هایی که توسط شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، صورت می‌گیرد. محیط پژوهش در این مطالعه، شهر تهران بوده است. مصاحبه‌ها به دو شکل «حضوری» و «یا از طریق «تماس تلفنی» انجام شده است.

گردآوری اطلاعات در دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی صورت پذیرفته است. در بخش کتابخانه‌ای از ابزار فیش‌برداری از کتاب‌ها، مقاله‌ها، سندها و مدرک‌های معتبر و مستند استفاده شده است.

در بخش دوم از مصاحبه‌های کیفی برای جمع‌آوری داده‌های میدانی استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختمند استفاده شد. مصاحبه نیمه‌ساختمند متشکل از یک رشته پرسش‌های منسجم است که برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر و موشکافی عمیق‌تر موضوع مورد مصاحبه، از سؤالات باز پاسخ نیز استفاده شده است. این شیوه از مصاحبه این مزیت را دارد که داده‌های استاندارد از همه پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری می‌کند، اما اطلاعات به دست‌آمده نسبت به آنچه می‌توان با روش مصاحبه‌های کاملاً سازماندهی‌شده به دست آورد، عمق بیشتری دارد. در بخش اول مصاحبه، مقدمه (هدف، درخواست) ارائه و در بخش دوم مصاحبه به سؤالاتی در رابطه با خشونت زنان علیه مردان و همچنین بیان نظرات مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با ابعاد خشونت پرداخته شده است.

به‌منظور تعیین اعتبار در مصاحبه کیفی، در این مطالعه از معیارهای اعتبار تحقیقات کیفی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) و استرابرت و کارپنتر (۱۹۹۹) استفاده شد. برطبق نظر محققان فوق، چهار معیار برای اعتبار تحقیقات کیفی الزامی است: ۱- مقبولیت یا اعتبار ۲- همسانی یا قابلیت اعتماد ۳- تعیین یا تأییدپذیری ۴- انتقال‌پذیری.

مقبولیت یا اعتبار که معادل روایی در تحقیقات کمی است، بیانگر میزان واقعی بودن نتایج مرتبط با هدف تحقیق است و از چند روش قابل تحقق است که عبارت‌اند از: درگیری مداوم محقق با داده‌ها، استفاده از تلفیق در تحقیق، بازنگری ناظران و جست‌وجو برای شواهد مغایر که تمام معیارهای فوق در این مطالعه به‌کار گرفته شد. درگیری مداوم محقق با داده‌ها که مدت زمان ۳ ماه برای استخراج داده‌ها از مروری بر متون و ۳ ماه برای تحلیل محتوی در نظر گرفته شده است، تلفیق داده‌ها با استفاده از

تلفیق زمانی، مکانی، افراد مختلف و استفاده از منابع متعدد اطلاعات صورت گرفته بازنگری ناظران از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط استادان مورد بازنگری و بررسی قرار گرفته و نتایج نهایی به شرکت‌کنندگان منعکس شده و تأیید و یا رد آنان در خصوص همسانی نتایج با نظرات و دیدگاه‌های آنان بررسی شده است.

در این پژوهش پس از گردآوری داده‌ها، برای تحلیل داده‌ها از روش کیفی داده‌بنیاد (گراند تئوری) استفاده شد. در این روش از کدگذاری و شیوه‌های تحلیلی استفاده شد. این فرایند شامل سه نوع مقایسه است؛ ابتدا پدیده‌ها به‌منظور کشف شباهت‌ها و نحوه تغییرات آنها در شرایط گوناگون با یکدیگر مقایسه شده و بر اساس شباهت‌های یافت‌شده، ویژگی‌های کلی آنها مشخص شد که مبنای فرضیه‌های بعدی قرار گرفتند. در فرایند مصاحبه‌ها به نمونه‌های مورد مطالعه اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند و با نام شخصی آنان در جایی منعکس نمی‌شود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

نتایج پژوهش حاضر حاصل تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از ۱۰ مشارکت‌کننده مرد طی مصاحبه‌های صورت‌گرفته است. طیف سنی مردان متأهل خوشونت‌دیده از ۳۱ سال است تا ۵۸ سال، و افراد دارای شغل‌های مختلفی هستند و طیف میزان تحصیلات آنان بین سیکل تا دکتری است. ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان صاحب‌خانه هستند و ۳ نفر اجاره‌نشین هستند و طیف درآمدی افراد بین ۵ تا ۹ میلیون است. همان‌طور که واضح است هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌هاست. در این مرحله داده‌ها به دقت مورد بررسی قرار گرفتند، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی و خرده‌مقوله‌های مربوط به آنها مشخص و ابعاد و ویژگی‌ها تعیین شدند. طی این تحلیل‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های تحلیلی پیشنهادشده توسط اشتراس و کوربین (۱۳۸۵) مورد استفاده قرار گرفت. واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز مفاهیم بودند.

با توجه به اصول ارائه‌شده توسط اشتراس و کوربین (۱۳۸۵) در مورد انجام کدگذاری باز، نخست پاسخ‌های ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان به واحدهای کوچکتری تجزیه شد. این کار پس از بررسی رونوشت مصاحبه‌ها در سطح جمله یا

پاراگراف انجام گرفت. سپس مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگتر قرار گرفتند و بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته‌های مفهومی بزرگتری طبقه‌بندی شوند. با توجه به این که کدهای باز فراوانی به دست آمد ولی بعد از هر مرحله مربوط به طبقه‌بندی و بررسی مجدد داده‌ها، مفاهیم تکراری حذف و مفاهیم مشابه در هم ادغام شدند. این کار تا چندین مرتبه برای رسیدن به اشباع منطقی برای مقوله‌های اصلی، مقوله‌های فرعی و ویژگی‌های آنها تکرار شد. حدود هر مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی در آغاز تجزیه و تحلیل به صورت قطعی تعیین نگردید و این مقوله‌ها در سراسر تجزیه و تحلیل مورد تجدید نظر قرار گرفتند. نتایج کدگذاری باز خشونت زنان علیه مردان در جدول ۲ مشخص شده است.

جدول ۲: نتایج کدگذاری باز خشونت زنان علیه مردان

مقوله	مفاهیم
روابط گسسته	فاصله عاطفی زن با خانواده خود
	نظارت کم خانواده زن روی فرزندان
روابط درهم‌تنیده	دخالت‌های خانواده زوجین
	ائتلاف با بچه‌ها در زمان مشاجره
تجربیات نامناسب خانوادگی	تجربه مشکلات مالی
	تجربه سختی زیاد در زندگی
عوامل اجتماعی	فرهنگ خشونت
عوامل فرهنگی	کمبود آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج
رفتارهای ارتباطی ناسالم	نگذاشتن وقت کافی برای همدیگر
	احترام قائل نبودن برای هم
الگوی تعاملی تلافی جویانه	انتقام گرفتن زن
	لجاجت و لجبازی با همسر
کمبود عشق و صمیمیت	نارضایتی زن از رابطه عاطفی
	خستگی زن از شوهر
	دوست نداشتن

مسائل فرهنگی	اختلاف فرهنگی
	تحول زمان و تغییر زنان
	نرسیدن بلوغ فکری و روحی برای ازدواج
	اعتقاد نداشتن به مشاوره پیش از ازدواج در فرهنگ
مسائل اجتماعی	مشروعیت بخشی سیستم فرهنگی به خشونت
	دخالت اطرافیان
مسائل مالی	پنهان کاری مالی
	فشارهای مالی
	شرایط اقتصادی کشور
شرایط شغلی و سازمانی	خستگی ناشی از کار زن و مرد
	استقلال و پشتوانه مالی زن
مشکلات روحی و روانی در خانواده	بیماری‌های عصبی
	ضعف در خودکنترلی
	عادی سازی خشونت
سابقه اعتیاد در خانواده	سابقه مصرف مواد
	سابقه مصرف الکل

با توجه به آنچه بیان شد، در مرحله کدگذاری محوری، یک مقوله از مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در فرایندی که در حال بررسی آن است (به عنوان پدیده مرکزی) قرار می‌دهد و سپس، دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از شرایط علی، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده شد (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۵). بنابراین در این مرحله، یافته‌های پژوهش در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری، شامل شرایط علی، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها و با توجه به مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به هر کدام، چگونگی خشونت زنان علیه مردان را منعکس می‌کند.

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها خشونت به عنوان پدیده‌ی محوری در نظر گرفته شد. این مقوله، حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله‌کنش‌ها و برهمکنش‌ها برای کنترل و اداره کردن آنها معطوف می‌گردد و بدان مربوط می‌شوند. خشونت زنان علیه مردان پدیده‌ای نوظهور محسوب می‌گردد که در ابعاد مختلف: ۱- خشونت روانی، ۲- خشونت اقتصادی، ۳- خشونت جسمی، ۴- خشونت جنسی، ۵- خشونت اجتماعی، ۶- خشونت عاطفی، ۷- خشونت کلامی نمایان می‌شود. این نوع خشونت در طول تاریخ به دلیل عجیب بودن جامعه با عناصر و ارکان مردانه و مردسالارانه چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. کدگذاری پدیده‌ی محوری خشونت زنان علیه مردان در جدول ۳ مشخص شده است.



جدول ۳: کدگذاری پدیده محوری خشونت زنان علیه مردان

پدیده محوری		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
خشونت	خشونت روانی	تمسخر در جمع دوستان
		قهرکردن
		ترک منزل
		بهانه‌گیری‌های پی در پی و انتقاد ناروا
	خشونت اقتصادی	وسواس در مخارج منزل
		آسیب‌رسانی به وسایل شخصی
		دسترسی نداشتن به درآمد و پس‌انداز خانواده
	خشونت جسمی	چنگ انداختن
		لگدزدن و مشت زدن به بدن
		تهدید به کشتن
		هل دادن و پرت کردن
		سیلی زدن
	خشونت جنسی	مجبور کردن مرد به پذیرش سقط جنین
		برقراری ارتباط جنسی برخلاف میل مرد
		انجام اعمال ناراحت کننده در ارتباط جنسی
	خشونت عاطفی	بیان نکردن کلمات محبت‌آمیز
		اظهار اجبار در انتخاب شوهر
		اظهار خستگی از زندگی مشترک
خشونت کلامی	فحاشی به مرد و بستگان وی	
	به‌کاربردن لقب‌های ناشایست برای مرد	
	شوخی دور از نزاکت با دوستان خود در حضور مرد	

تمامی پاسخ‌دهندگان این پرسش اذعان داشته‌اند که علیه مردان متأهل خشونت صورت می‌گیرد اما در ابعاد و شکل و دلیل آن پاسخ‌های گوناگونی گفته می‌شود: مصاحبه‌شونده کد (۱) در زمینه خشونت کلامی، خشونت مالی و خشونت فیزیکی می‌گوید: خشونت‌هایی که من در طی دوران زناشویی احساس کردم، بسیار بوده است؛ از خشونت کلامی گرفته تا خشونت اقتصادی و یا خشونت فیزیکی».

مصاحبه‌شونده کد (۲) در زمینه خشونت کلامی می‌گوید: «بیشترین نوع خشونت همسر من خشونت کلامی و توهیم و تحقیر بوده است».

مصاحبه‌شونده کد (۳) در زمینه خشونت اقتصادی می‌گوید: «خشونت علیه مردان متأهل بیش از زنان صورت می‌گیرد ولی همه مردم و مسئولان به حقوق زنان توجه دارند و به حق و حقوق مردان بی‌توجه هستند، زنانی هستند که برای مردانشان جان‌فشانی می‌کنند ولی با این وجود پیدا می‌شوند زنانی هم که حق و حقوق مردان را نادیده می‌گیرند».

مصاحبه‌شونده کد (۴) در زمینه خشونت عاطفی می‌گوید: «به شکل‌ها و روش‌های مختلفی دختر و همسر من بی‌احترامی می‌کنند، گاهی از این که همسایه‌ها من را می‌بینند احساس شرم می‌کنم و خجالت می‌کشم، همیشه دخترم در جمع به من بی‌احترامی می‌کند و کلمات زشتی به کار می‌برد، من پدر او هستم واقعا دلیل این همه حقارت را نمی‌فهمم».

مصاحبه‌شونده کد (۳) در زمینه خشونت جنسی بیان نمود که: «همسر من به نیازهای جنسی من بی‌توجه بود، وسواس فکری داشت و اصلاً میلی به برقراری رابطه با من نداشت، رابطه ما خیلی سرد بود و اصلاً عشقی دیده نمی‌شد».

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها، دو مقوله کلی شامل ۱- عوامل خانوادگی و ۲- عوامل فراخانوادگی در ارتباط با شرایط علی استخراج شد. شرایط علی شامل مواردی است که مستقیماً به مقوله اصلی یعنی خشونت زنان علیه مردان منجر می‌شوند و منشأ ناسازگاری هستند. کدگذاری شرایط علی اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان در جدول ۴ مشخص شده است.

جدول ۴: کدگذاری شرایط علی اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان

شرایط علی		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
عوامل خانوادگی	روابط گسسته	فاصله عاطفی زن با خانواده خود
		نظارت کم خانواده زن روی فرزندان
	روابط درهم تنیده	دخالت‌های خانواده زوجین
		ائتلاف با بچه‌ها در زمان مشاجره
	تجربیات نامناسب خانوادگی	تجربه مشکلات مالی
		تجربه سختی زیاد در زندگی
عوامل فراخانوادگی	عوامل اجتماعی	فرهنگ خشونت
	عوامل فرهنگی	کمبود آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج

اولین مقوله اصلی در شرایط علی، عوامل خانوادگی است که زندگی‌های زناشویی به شدت متأثر از این مقوله هستند. این مقوله خود از سه مقوله فرعی: ۱- روابط گسسته، ۲- روابط درهم تنیده، ۳- تجربیات نامناسب خانوادگی تشکیل شده است که ۶ مفهوم را در بر می‌گیرد.

مصاحبه‌شونده کد (۲) در زمینه دخالت‌های خانواده زوجین در زندگی آنها بیان کرد که: «خانواده زخم خیلی تو زندگی ما سرک می‌کشیدند و همین مورد یکی از عوامل تنفر من از او شده بود».

مصاحبه‌شونده کد (۸) در این زمینه بیان کرد که: «ضمن این که همسرم به خانواده‌اش خیلی وابسته بود و توانایی مستقل زندگی کردن را نداشتم».

مصاحبه‌شونده کد (۷) در این زمینه بیان کرد که: «از اولشم بهش گفته بودم من از

رفت و آمد خوشم نمی‌آید. خونه مادر خودم هر ماه یک بار و خونه باجناقام سالی یه بار». مصاحبه‌شونده کد (۳) در زمینه فاصله عاطفی زن با خانواده خود معتقد بود که: «هنوز مسائلی را که در خانواده پدریش اتفاق افتاد مثل اونجا میخاد رفتار کنه و دنبال بهانه اس دعوا کنه باهم».

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها، چهار مقوله اصلی: ۱- عوامل فراخانوادگی، ۲- عوامل اقتصادی، ۳- عوامل خانوادگی، ۴- مسائل تربیتی و محیطی در ارتباط با شرایط زمینه‌ای استخراج شد. این شرایط باعث ایجاد و توسعه پدیده محوری خشونت می‌شوند. کدگذاری شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان در جدول ۵ مشخص شده است.

جدول ۵: کدگذاری شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر خشونت زنان علیه مردان

شرایط زمینه‌ای		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
عوامل فراخانوادگی	مسائل فرهنگی	اختلاف فرهنگی
		تحول زمان و تغییر زنان
		فقدان بلوغ فکری و روحی برای ازدواج
		اعتقاد نداشتن به مشاوره پیش از ازدواج در فرهنگ
	مسائل اجتماعی	مشروعیت‌بخشی سیستم فرهنگی به خشونت
		دخالت اطرافیان
عوامل اقتصادی	مسائل مالی	پنهان کاری مالی
		فشارهای مالی
		شرایط اقتصادی کشور
	شرایط شغلی و سازمانی	خستگی ناشی از کار زن و مرد
		استقلال و پشتوانه مالی زن

اولین مقوله اصلی در شرایط زمینه‌ای، عوامل فراخانوادگی است و باعث ایجاد و توسعه خشونت علیه مران می‌شود. این مقوله خود از دو مقوله فرعی: ۱- مسائل فرهنگی، ۲- مسائل اجتماعی تشکیل شده است که ۶ مفهوم را در بر می‌گیرد. در ادامه نمونه‌ای از موارد ذکر شده توسط مصاحبه‌شوندگان در این زمینه آورده شده است. مصاحبه‌شونده کد (۵) در زمینه اختلاف فرهنگی گفت که: «همیشه خانوم من رو به خاطر اینکه از لحاظ فرهنگی در طبقه هم‌سطح خودشون نبودم سرکوفت می‌زد و منو تحقیر می‌کرد».

امروزه با توجه به سرعت تحولات در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انسان‌ها نیاز دارند تا بر اساس شرایط موجود تغییراتی را در زندگی و روابطشان پدید آورند. از دیگر عواملی که در این مورد هم هر دو دسته مشارکت‌کننده به آن اذعان داشتند، تحول زمان و تغییری است که در زنان ایجاد شده است. از جمله نحوه گفت‌وگوی زنان نسل‌های قبل با شوهرانشان نسبت به زنان امروزی، با نگاهی که زنان گذشته به شوهر داشتند و نگاهی که زنان امروز دارند و یا مماشاتی که دختران امروز با جنس مخالف قبل از ازدواج دارند. به عنوان مثال: مصاحبه‌شونده کد (۷) در زمینه تحول زمان و تغییر زنان گفتند که: «زن‌های این دوره و زمونه خیلی راحت به شوهراشون زور می‌گویند».

مصاحبه‌شونده کد (۱۰) در این زمینه گفت: «زن‌های امروزی الان بیشتر با حق و حقوقشون آشنا هستند و این خوبه؛ ولی این که اونها توقع‌های بی‌جا داشته باشند، زور داره».

مصاحبه‌شونده کد (۹) در زمینه شرایط اقتصادی کشور بیان کرد: «در مدت اخیر که قیمت‌ها بالا رفته و من از عهده مسائل اقتصادی خانواده برنمیام، به جای این که اون کمکم کنه و همراهم باشه، مدام دعوا میکنه و به حرفام دیگه گوش نمیده».

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها دو مقوله اصلی: ۱- تفاوت بین زن و شوهر، ۲- باورهای زوجین در ارتباط با عوامل مداخله‌گر استخراج شد. عوامل مداخله‌گر، عوامل ساختاری است که به پدیده‌ها تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند یا آنها

را محدود و مقید می‌کنند. در واقع ایجاد هر نوع تغییر در عوامل مداخله‌گر تأثیر مستقیم خود را در خشونت زنان علیه مردان، راهبردها و پیامدها نشان خواهد داد. کدگذاری عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر راهبرد و پیامدهای خشونت زنان علیه مردان در جدول ۶ مشخص شده است.

جدول ۶: کدگذاری عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر راهبرد خشونت زنان علیه مردان

شرایط مداخله‌گر		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
تفاوت بین زن و شوهر	تفاوت شخصیتی	کم حرف بودن شوهر و پر حرف بودن زن
		خجالتی بودن شوهر و جسور بودن زن
	تفاوت فرهنگی	تفاوت زن و شوهر در آداب و رسوم
		تفاوت قومیتی بین زن و شوهر
	تفاوت سنی	بزرگتر بودن زن
	تفاوت مسائل مالی	بالتر بودن وضعیت مالی زن
	تفاوت در نوع نیاز	تفاوت زن و شوهر در سطح نیاز جنسی
باورهای زوجین	باورهای زناشویی	باور شوهر به تغییر زن بعد از ازدواج
		باور زن به خشونت به عنوان راه حل مشکلات
		باور شوهر به لزوم داشتن تفاوت سنی زیاد با همسر
		باور شوهر به چشم و هم‌چشمی کردن زن
		باور زن به طبیعی بودن خشونت در مقابل مرد
		باورهای جنسیتی

اولین مقوله اصلی در شرایط مداخله‌گر، تفاوت بین زن و شوهر است. این مقوله شرایط عام (عوامل مداخله‌گر) بر راهبردهای خشونت علیه مردان تأثیر می‌گذارند. مقوله تفاوت بین زن و شوهر از پنج مقوله فرعی: ۱- تفاوت شخصیتی، ۲- تفاوت فرهنگی، ۳-

تفاوت سنی، ۴- تفاوت مسائل مالی، ۵- تفاوت در نوع نیاز تشکیل شده است که ۷ مفهوم را در بر می‌گیرد.

مصاحبه‌شونده کد (۲) در زمینه نحوه تربیت و محیط رشد این گونه می‌گوید: «همش خودشو عقل کل می‌دونست، منو احمق و کودن؛ و جلوی همه به من بی‌احترامی می‌کرد. کاری کرده بود که دیگه حرفام هیچ جایی ارزش نداشته باشه».

مقوله باورهای زناشویی یکی از موارد اختلاف آنها با یکدیگر بود. به عنوان مثال، باور شوهر به تغییر زن بعد از ازدواج است که مصاحبه‌شونده کد (۴) در زمینه نحوه تربیت و محیط رشد این گونه می‌گوید: «من موندم مگه آدم چقدر می‌تونن بعد از ازدواج عوض بشن. ما قبل از ازدواج ۳ سال با هم بودیم و خیلی با هم خوب بودیم همیشه حرف همو متوجه میشدیم اما بعد از به دنیا اومدن بچه انگار من در این زندگی وجود نداشتم و اصلاً به من توجه نمی‌شد».

مقوله بعدی باور زن به خشونت به عنوان راه حل مشکلات است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان (کد ۵) بیان نمود: «ما هر دو از لحاظ سنی و تحصیلات تقریباً هم‌سطحیم و این گفته شما که تحصیلات و سن تأثیرگذاره، من موافق نیستم باهانش. ببینید اگه تأثیر داشت که من این همه اختلاف نداشتم با اون؛ اتفاقاً برعکسه. اون همیشه دنبال خشونته. کافیه مشکلی پیش بیاد تا از کوره دربره، خسته‌کننده‌اس واسم این نوع فکرش».

باور زن به طبیعی بودن خشونت در مقابل مرد مقوله بعدی بود که مورد تأکید مصاحبه‌شونده‌ها بود، در این مورد مصاحبه‌شونده کد ۷ می‌گوید: «شاید شما بگید مقطعی هستش این رفتار، ولی من می‌گم نه امکان نداره من خانواده شو دیدم؛ به همین خاطر اجازه نمی‌دادم بره اونجا. میخاد همون رفتاریو با من انجام بده که مامانش با باباش داره».

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها، مقوله اصلی الگوهای ارتباطی ناکارآمد در رابطه با راهبردهای کنش و کنش متقابل استخراج شد. راهبردهای کنش و کنش متقابل اقدامات یا تعامل‌های ویژه‌ای هستند که از مقوله اصلی یعنی خشونت حاصل می‌شوند. به سخن دیگر، عاملان انسانی و کنش‌گران به عنوان راهبردها با

مداخلات خود فرایند خشونت به پیامدها را تسهیل می‌کنند. کدگذاری راهبردهای کنش و برهمکنش حاصل از خشونت در جدول ۷ مشخص شده است.

جدول ۷: کدگذاری راهبردهای کنش و کنش متقابل

حاصل از خشونت زنان علیه مردان

راهبردهای کنش و کنش متقابل		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
الگوهای ارتباطی ناکارآمد	رفتارهای ارتباطی ناسالم	نگذاشتن وقت کافی برای همدیگر
		احترام قائل نبودن برای هم
	الگوی تعاملی تلافی‌جویانه	انتقام گرفتن زن
		لجاجت و لجبازی با همسر
	کمبود عشق و صمیمیت	نارضایتی زن از رابطه عاطفی
		خستگی زن از شوهر
		دوست نداشتن

این مقوله خود از سه مقوله فرعی: ۱- رفتارهای ارتباطی ناسالم، ۲- الگوی تعاملی تلافی‌جویانه، ۳- کمبود عشق و صمیمیت تشکیل شده است که ۷ مفهوم را در بر می‌گیرد.

مصاحبه‌شونده کد (۲) در زمینه نگذاشتن وقت کافی برای همدیگر بیان نمود که: «به مرور زمان دعوایمان بیشتر شده بود و شدت جر و بحث‌هایمان نیز بیشتر شده بود و همه اینها هر طور فکر کنید ما رو از هم فراری داده و باعث شده کمتر برای هم وقت بذاریم».

مصاحبه‌شونده کد (۹) در زمینه احترام قائل نبودن برای یکدیگر گفتند: «از اونورم می‌رفتم این چیزا رو برای عروسمون می‌گفتم، شوهرم عصبانی می‌شد میگه زن من دهن‌لقه و دیگه عروسم برای من احترامی قائل نمی‌شه. آبرو برام نمونده تو در و همسایه. دوستام بهم تیکه می‌ندازن می‌گن زن ذلیل، خانم سرم زیاد داد می‌زنه».

مصاحبه‌شونده کد (۶) در زمینه انتقام گرفتن زن معتقد بود که: «گفتم که ازش بدم می‌آمد و زمانی که فرصت را برای تلافی پیدا کردم مدام تحقیرش می‌کردم. ازش برای همین داد و بیداد کردنش طلاق گرفتم. اصلاً صحبت کردن سرش نمی‌شد، اگه اوضاع مطابق میلش نبود شروع می‌کرد به تحقیر من. باز شدن روی زن و شوهر به هم پرده حیا از بین میره دیگه اونوقت هر چی دوس دارن به هم می‌گن. اگر بچه داشته باشن بچه‌ها یاد می‌گیرن و خودشونم در آینده این کار رو می‌کنن. انگار زنجیره‌وار ادامه پیدا می‌کنه. بین طرفین جدایی می‌افته یا با طلاق کامل یا اگر هم مقطعی باشه و دوباره با هم باشن دیگه رابطه‌شون مٹ اولش همیشه».

مصاحبه‌شونده کد (۴) به جنبه دیگری از انتقام توسط زن پرداخت و گفت: «جلوی همه به من می‌گه من برای عشق و اینجور چیزا زن تو نشدم. به این وسیله خواستم جلو پیام از مردا انتقام بگیرم چون (خواهری دارد که در ازدواج شکست خورده)».

بر اساس تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از متن مصاحبه‌ها دو مقوله اصلی: ۱- فردی، ۲- پیامد خانوادگی در ارتباط با پیامدها استخراج شد. اگر عوامل و شرایط ذکرشده در مدل پارادایمی خشونت زنان علیه مردان به خوبی عمل کنند، انتظار می‌رود که برون‌دادها و نتایج مطلوب و مورد انتظار حاصل شود. کدگذاری پیامدهای حاصل از راهبرد خشونت زنان علیه مردان در جدول ۸ مشخص شده است.

جدول ۸: کدگذاری پیامدهای حاصل از راهبرد خشونت زنان علیه مردان

پیامدها		
مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم
پیامد فردی	آسیب‌های روانی	افسردگی
	ناامیدی	اضطراب
		نداشتن اعتماد به نفس
	فقدان قدرت مرد در خانه	زن سالاری در خانه
		از خانه‌گریزی مرد
پیامد خانوادگی و اجتماعی	جدایی	طلاق عاطفی
		اقدام به طلاق
	رفتارهای پرخطر	لجبازی
		اقدام به خودکشی
		اقدام به خیانت
	آسیب دیدن فرزندان	آسیب اجتماعی فرزندان
		آسیب دیدگی عاطفی فرزندان
		افسردگی فرزندان
	تضعیف بنیان خانواده	قطع روابط خویشاوندی
		سکوت حاکم در خانه
		آشفته‌گی و هرج و مرج در خانواده
	نداشتن مدیریت مالی خانوار	ولخرجی و اسراف
		نداشتن اتحاد در هزینه کردن بودجه خانوار

اولین مقوله اصلی در پیامدها خشونت زنان علیه مردان، پیامد فردی است. این مقوله خود از مقوله‌های فرعی: ۱- آسیب‌های روانی، ۲- فقدان قدرت مرد در خانه تشکیل

شده است که ۶ مفهوم را در بر می‌گیرد. در ادامه نمونه‌ای از موارد ذکر شده در این زمینه آورده شده است:

مصاحبه‌شونده کد (۱) در زمینه پیامد افسردگی بیان نمود که: «جلوی پدر و مادرم تو صورتم تف پرت کرد. کاری کرده بود احساس افسردگی بهم دست داده بود. صبح‌ها دیگه انرژی نداشتم که به سر کار برم».

مصاحبه‌شونده کد (۶) در زمینه پیامد ناامیدی بیان نمود که: «از بس تو سر من زده بود که دیگه جای هیچ امیدی را تو دلم نگذاشته بود».

مشارکت‌کننده کد (۱۰) در این زمینه گفت که: «همش دم از ناامیدی می‌زد هرچی بهش می‌گفتم می‌گفت که نمی‌شه امکان نداره، چه جووری میشه که بشه و...».

مشارکت‌کننده کد (۱) در زمینه پیامد نداشتن اعتماد به نفس معتقد بود که: «کمبود اعتماد به نفس داشت. همش دنبال تعریف و تمجید بقیه می‌گشت. دوست داشت تا بقیه ازش تعریف کنند».

مصاحبه‌شونده کد (۸) در زمینه پیامد زن‌سالاری در خانه معتقد بود که: «من خودم وقتی می‌رفتم خواستگاری می‌دیدم پدر اون دختر حرفش ۲ درصدم تو خونه اعتبار نداره، دیگه اونجا نمی‌رفتم، چون وقتی مردها تو خونه حاکم اینقدر سخت نمی‌گیرن که زن‌ها سخت می‌گیرن».

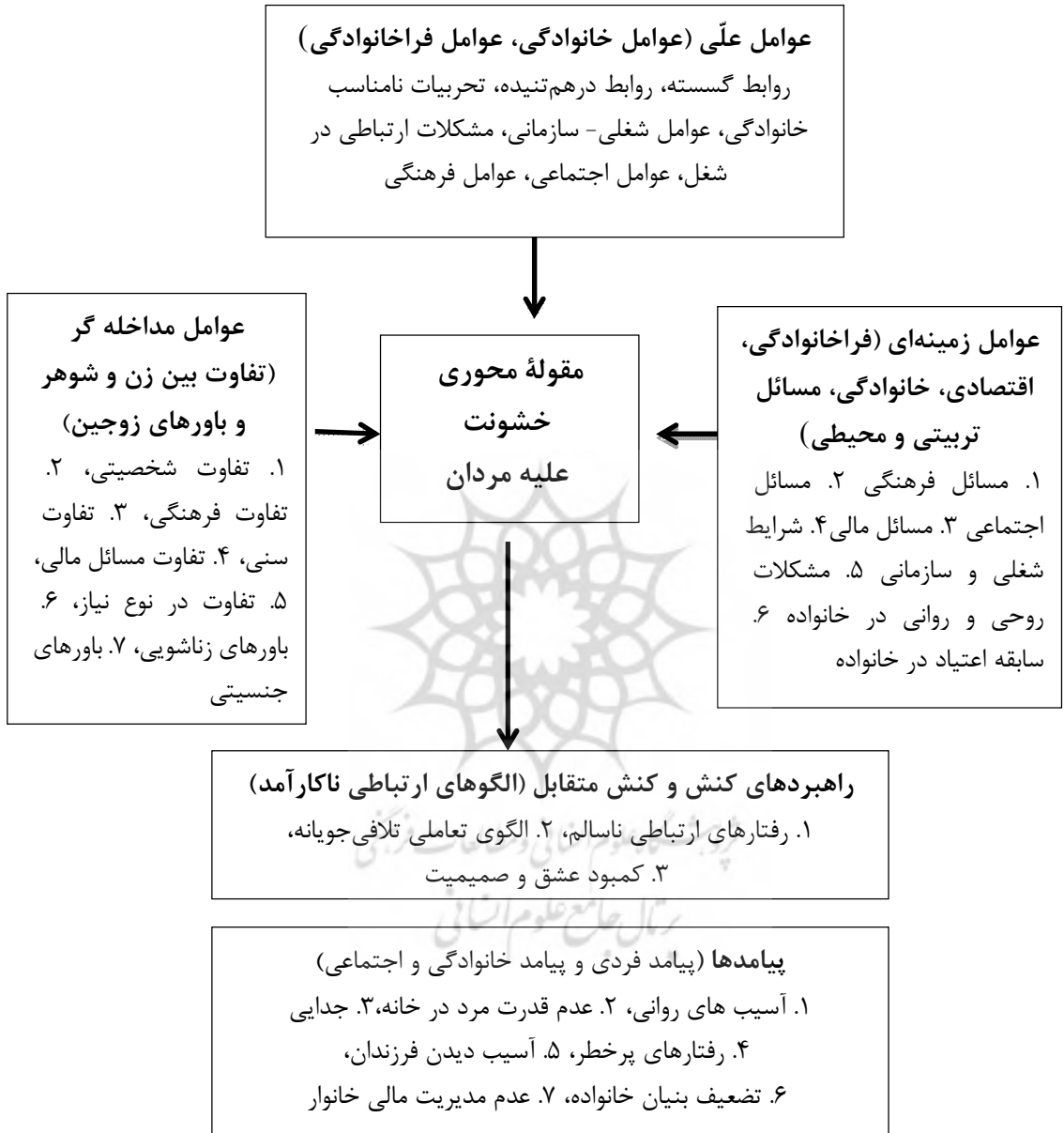
مصاحبه‌شونده کد (۵) در زمینه پیامد از خانه‌گریزی مرد بیان نمود که: «همیشه وقتی به تعطیلات نزدیک می‌شدیم یا تقویم را ورق می‌زدیم و برای تعطیلات رسمیمان برنامه‌ریزی می‌کردیم، بین من و همکارام بحث می‌شد که چه کسی مجبور است در روز تعطیلی، دور از خانومش در بخش بماند. همیشه من داوطلب بودم واسه این که از اون خونه دور باشم و کمتر چشمم بهش بخوره».

مصاحبه‌شونده کد (۶) در زمینه پیامد طلاق عاطفی معتقد بود که: «خانومم یکساله من رو طلاق عاطفی داده و هرچه التماس می‌کنم برای بچه فایده نداره و کلا داره آزارمون میده همه جور».

مصاحبه‌شونده کد (۹) در این زمینه بیان کرد که: «من هم فرزند طلاق عاطفی بودم، الان هم با همسر طلاق عاطفی گرفتیم... خیلی سخته... انگار سرنوشتت به طلاق عاطفی گره خورده.. کاش می‌مردم ولی افسوس...».

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی عبارت است از فرایند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله محوری را (که سایر مقولات بر محور آن می‌گردند و کلیتی را تشکیل می‌دهند) به طور روش مند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اقدام به نگارش نظریه می‌کند که شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، ارائه می‌دهد. مدل ترسیمی ارائه‌شده برای خشونت زنان علیه مردان به صورت شکل ۲ است.



شکل ۲: مدل کیفی الگوی خسونت زنان علیه مردان بر مبنای تئوری داده‌بنیادی

بحث و نتیجه‌گیری

خشونت زنان علیه مردان یکی از معضلات اجتماعی در تمام کشورهای دنیا به حساب می‌آید. این معضل اجتماعی علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی و روانی در شخص خشونت دیده، موجب بروز عواقب جبران ناپذیر اجتماعی نیز می‌گردد. همچنین یکی از موضوع‌هایی که باعث ایجاد اختلال در کارکرد خانواده می‌شود، بحث خشونت‌های خانگی است. در چارچوب خانواده، گاه روابط بین دو جنس از حالت عادی خارج شده و صورتی نامتعارف به خود می‌گیرد. غیرعادی بودن روابط بین دو جنس هم به لحاظ ارزش‌های فرهنگی و هم به لحاظ قوانین و مقررات موجود مسئله‌ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می‌کند.

رفتارهای خشونت‌آمیز و آزاردهنده زنان در محیط خانه می‌تواند مردان را به لحاظ فردی متأثر نماید و برای آنها صدمات روحی و جسمی در پی داشته باشد و از طرفی دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز زنان به نهاد خانواده لطمه وارد می‌نماید و در چنین شرایطی خانواده دستخوش آسیب‌های جدی می‌گردد.

براساس نتایج پژوهش راهبردهای کنش و کنش متقابل در بین زوجین در هنگام خشونت در خانواده سه مقوله: ۱- رفتارهای ارتباطی ناسالم، ۲- الگوی تعاملی تلافی‌جویانه، ۳- کمبود عشق و صمیمیت، از طریق تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان شناسایی شد.

خشونت خانگی علیه مردان تبعات جبران ناپذیری در ابعاد مختلف از جمله مشکلات عاطفی، مشکلات بیولوژیک و آسیب‌های روانی، طلاق عاطفی، مشکلات فرزندان، خشونت اقتصادی، خشونت کلامی و خشونت فیزیکی، عدم حمایت اطرافیان، طرد اجتماعی و ناسازگاری اجتماعی، آثار مخربی بر وضعیت روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی وارد می‌کند.

این امر می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای جامعه ایجاد کند. از پیامدهای مهم خشونت، ازهم‌گسیختگی و تضعیف بنیان خانواده و آسیب جدی به فرزندان است؛ به طوری که برخی از کودکانی که تحت خشونت واقع شده بودند، دچار مشکلات روانی شده‌اند و تأثیر آن حتی بعد از ازدواج، دامنگیر آنان شده است. خشونت خانگی علاوه بر

تنگ کردن عرصه زندگی برای زن و شوهر، همچنین می‌تواند تأثیرات گوناگون و قابل توجهی بر کودکان و نوجوانانی که شاهد این خشونت بوده‌اند؛ دارد که نه تنها زندگی حال و آینده آنها، بلکه جامعه را نیز به مخاطره می‌اندازد.

در چهارچوب خانواده، گاه روابط بین دو جنس از حالت عادی خارج شده و صورتی نامتعارف به خود می‌گیرد. غیرعادی بودن روابط بین دو جنس هم به لحاظ ارزش‌های فرهنگی و هم به لحاظ قوانین و مقررات موجود مسئله‌ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می‌کند.

نتایج این تحقیق با نتایج مطالعه خیرخواه‌زاده (۱۳۹۰) همسو بوده و می‌توان گفت خشونت کلامی - روانی نسبت به مردان مورد تأیید بوده است که برای مردان بسیار سخت گزارش شده است و خشونت جنسی در مرحله بعدی قرار دارد. همچنین همسو با نتایج مطالعه هوگان (۲۰۱۶) تجربه خشونت برای مردان بسیار آسیب‌زا گزارش شده که این امر با فرهنگ مردسالاری جامعه کاملاً قابل تحلیل است. مردان در خانواده همواره انتظار تأیید و احترام داشته و رفتارهایی که کمتر با این انتظار هماهنگ باشد، به عنوان خشونت ارزیابی می‌شود. همچنین با توجه به اولویت دادن به نیازهای جنسی مردانه، هر نوع اعلام عدم تمایل به ارتباط یا ایجاد مانع از طرف زنان در روابط جنسی به عنوان خشونت اعلام می‌شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- بر اساس الگوی نظری به‌دست‌آمده از مطالعه داده‌بنیاد حاضر می‌توان یک بسته‌ی جامع آموزشی و درمانی برای زوجها تهیه و تدوین گردد.
- پیشنهاد می‌شود هر دو زوج مورد مصاحبه قرار گیرند یا زنان و مردان بصورت مجزا در دو گروه مستقل تا حد اشباع بررسی و یافته‌های هر گروه به صورت جداگانه تحلیل و در نهایت با هم مقایسه شوند.
- در پژوهش‌های آینده می‌توان بر اساس یافته‌های حاصل از این مطالعه، مقیاسی برای ارزیابی خشونت زنان علیه مردان تدوین گردد و اعتبار و روایی آن مورد سنجش قرار گیرد.

منابع

- جان‌آبادی، سعید (۱۳۹۵) مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان و مردان متأهل شهرزابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- جلائی فر، سعید و حمید فکور راد (۱۳۹۰) مروری بر خشونت خانوادگی و پیامدهای اجتماعی آن، مسائل اجتماعی ایران، شماره چهارم.
- خیرخواه‌زاده، احسان (۱۳۹۰) مطالعه جامعه‌شناختی تجربه زیسته مردان از خشونت خانگی علیه آنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شاپان، آرزو و سیده زهرا معصومی و معصومه کاویانی (۱۳۹۴) بررسی رابطه همسرآزاری و سلامت روانی در زنان دچار خشونت خانگی ارجاع‌شده به پزشکی قانونی شهر شیراز، مجله آموزش و سلامت جامعه، ۱ (۴)، صص ۵۱-۵۷.
- فاطمی، سید مسعود و ریحانه داودی و محمد فشارکی و اصغر گل‌افشانی (۱۳۹۰) ارتباط مهارت‌های زندگی با همسرآزاری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۳)، صص ۵۱-۶۹.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۵) همسرآزاری در خانواده، چاپ سوم، تهران، کارورزان.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۷) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، چاپ چهارم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- مجیدی، زهره و پروانه دانش و کبری راهزانی (۱۳۹۲) بررسی جامعه‌شناختی پدیده خشونت خانگی علیه مردان و برخی عوامل مرتبط با آن از دیدگاه مردان و زنان متأهل اراک در نیمه اول سال ۹۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور.
- محبی، فاطمه (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۲.
- نیکوکار، غلامحسین و محمود فرهادی محلی و علی فرهادی محلی و یاسر علی‌دادی تلخسانی (۱۳۹۲) تبیین و جامعه‌شناختی خشونت شوهران علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه نظری ترکیبی، فصلنامه زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۳.
- وامقی، مروّنه و محمدرضا خدائی اردکانی و حمیرا سجادی (۱۳۹۲) خشونت خانگی در ایران: مرور مطالعات ۱۳۸۷-۱۳۸۰، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۰)، صص ۳۷-۷۰.

Al Dosary, A. H. (2016) Health impact of domestic violence against Saudi women: cross sectional study. *International journal of health sciences*, 10(2), 165.

Hogan, K. (2016) Men's experiences of female-perpetrated intimate partner violence: A qualitative exploration (Doctoral dissertation, University of the West of England).

Kamrani, A. (2008) Review and understand the prevalence of domestic violence against women and its influencing factors in families living in Dare Shahr.

Kohulat, N. (2011) The relationship between metacognition beliefs and personality traits with believed to chance in women victims of domestic violence in Shiraz city.

- Kumar, A. (2012) Domestic violence against men in India: A perspective. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 22(3), 290-296.
- Sorenson, S. B., & Spear, D. (2018) New data on intimate partner violence and intimate relationships: Implications for gun laws and federal data collection. *Preventive medicine*, 107, 103-108.

